

ادامه از صفحه ۶

شکاف در «اعتماد ملی»

وقتی احتمال حضور رئیس دولت اصلاحات در انتخابات ریاست‌جمهوری دهم مطرح شد، سخنگوی حزب اعتماد ملی گفت: «آقای کروبی نیز که همواره از شخصیت و سوابق آقای خاتمی تجلیل کرده‌اند، از اینکه ایشان هم به صورت شفاف اعلام نامزدی کرده‌اند، استقبال می‌کنند».
کروبی که سال ۸۴ با وعده پرداخت یارانه ۵۰هزارتومانی وارد عرصه انتخابات شده بود، این بار متفاوت ظاهر شد. از وعده انتخاب وزیر زن تا حمایت جدی از اقوام و قومیت‌ها. این بار لایه‌هایی از جریان نوگرای اصلاح‌طلب که زمانی با کروبی و حزبش زاویه‌هایی داشتند، به او نزدیک‌تر شده بودند.

تعليق فعالیت

بعد از انتخابات ۸۸ و اعتراض به نتایج انتخابات و ماجراهای بعدی که به حصر دبیرکل حزب منجر شد، فعالیت حزب اعتماد ملی کم‌رنگ شد. دفتر حزب و روزنامه اعتماد ملی پس از انتخابات ۱۳۸۸ تعطیل و پلمب شد. اسماعیل گرامی‌مقدم، سخنگوی حزب اعتماد ملی نیز پس از پلمب‌شدن دفتر حزب اعتماد ملی گفت: «حوالی ساعت ۱۵ تعدادی از مأموران با حکم دادستان تهران با مراجعه به دفتر آقای کروبی واقع در جمشیدیه تهران ضمن بازرسی محل کار ایشان مبادرت در جمع‌آوری اسناد و مدارک موجود و نیز رایانه و فیلم کردند. مأموران همچنین افرادی را که برای ملاقات با آقای کروبی به دفتر ایشان آمده بودند، به همراه شخص دبیرکل به خارج از ساختمان هدایت کردند».
همچنین پس از پلمب‌شدن دفتر حزب اعتماد ملی، سردیر سایت اعتماد ملی بارداشت شد.

فروردین ۹۰ حمیدرضا فولادگر نماینده قوه مقننه در کمیسیون ماده ۱۰ احزاب، انجام فعالیت سیاسی حزب «اعتماد ملی» را مشروط به «مرزبندی» این حزب با دبیرکل خود، مهدی کروبی، دانست. در همین حال، رسول منتجب‌نیا، قائم‌مقام دبیرکل حزب اعتماد ملی، به سخنران نماینده قوه مقننه در کمیسیون ماده ۱۰ احزاب، واکنش نشان داده و به روزنامه «روزگار» گفته بود: «هرگونه اظهارنظر از جانب حزب اعتماد ملی، منوط به برگزاری نکره و انتخاب اعضای شورای مرکزی است و در شرایط فعلی، به‌رغم اینکه هیچ حکم موقعیتی برای فعالیت این حزب صادر نشده اجازه برگزاری نکره به ما داده نمی‌شود و به این صورت امکان اعلام نظر وجود ندارد».

فعالیت حزب اعتماد ملی عملا بعد از وقایع ۸۸ کم‌رنگ شد.

آغاز فعالیت در دولت روحانی

اما با آغاز به کار دولت روحانی، زمزمه‌هایی از آغاز فعالیت حزب اعتماد ملی شنیده شد. ۹ دی ۱۳۹۲، رسول منتجب‌نیا، قائم‌مقام حزب اعتماد ملی، اعلام کرد وزیر کشور، عبدالرضا رحمانی‌فضلی، از این حزب برای شرکت در نشست وزارت کشور دعوت کرده است. منتجب‌نیا همچنین در پاسخ به این سؤال که این حزب اعتماد ملی پلمب است؟ گفت: «ا پلمب بودیم، به جلسه وزیر کشور دعوت نمی‌شدیم». اما سال ۹۳، باز بازگشت اعتماد ملی بود. این حزب برای آنکه بازگشت به عرصه سیاسی را به عموم اطلاع‌رسانی کند، به تاریخ مهر ۹۳، نشست بزرگی را با عنوان امتداد امید در توسعه الهادی برگزار کرد. حزب از سال ۹۳ فعالیت جدی خود را آغاز و سعی کرد در نظر تلاش‌ها برای انتخابات ۹۴ حضور داشته باشد. به‌طوری‌که منتجب‌نیا اوایل سال ۸۴ نشستی خبری را در منزل خود ترتیب داد تا فعالیت جدی این حزب خبر بدهد. او در آن نشست اعلام کرد همه ارگان‌ها و شاخه‌های حزب در تهران و شهرستان فعال شده و سانیی هم برای اطلاع‌رسانی در نظر گرفته شده است. او همچنین باز هم تأکید کرد در غیاب دبیرکل، مسئولیت‌ها بر عهده قائم مقام او خواهد بود.

این در حالی بود که جریان اصلاح‌طلب برای انتخابات مجلس دهم طرحی نو در انداخته بود. حالا شورای هماهنگی جبهه اصلاحات به نوعی به حاشیه رفته و شورای عالی سیاست‌گذاری اصلاح‌طلبان تشکیل شده بود؛ شورایی که ترکیب آن نه فقط احزاب بلکه بسیاری از چهره‌های حقیقی و حقوقی بودند که برخی از آنها عضویت حزبی هم نداشتند. برخی از اعضای شورای هماهنگی جبهه اصلاحات و البته اعضای اعتماد ملی مانند رسول منتجب‌نیا بارها اعتراض خود را به آنچه «نادیده‌گرفتن نقش احزاب» در آن انتخابات می‌نامیدند، اعلام کردند.
باین‌حال، برای آنکه شکل مجلس نهم تغییر کند، شورای سیاست‌گذاری با همان ترکیب به فعالیت خود ادامه داد و توانست در تهران و شهرستان پیروزی در خورتوجهی به‌دست بیاورد. اما تاوأم فعالیت شورای سیاست‌گذاری برای انتخابات ریاست‌جمهوری و نیز شوراهای پنجم، باعث شد تا بارها از سوی برخی اعضای شورای هماهنگی جبهه اصلاحات که سخنگویی آنها را در این جریان محسن رهامی به عهده گرفته بود، به همراه رسول منتجب‌نیا، مصاحبه‌هایی در نقد عملکرد شورای سیاست‌گذاری انجام شود. حالا دامنه فعالیت‌ها درباره نحوه حضور اعتماد ملی در این انتخابات تا جایی بالا گرفته که منتجب‌نیا استعفا بدهد. تصمیم شورای مرکزی حزب درباره این استعفا، نشان از استراتژی حزب در همسویی با همسوزبون با دیگر جریان‌های اصلاح‌طلب خواهد داشت.

یکی از غم‌بارترین عملیات‌های جنگ هشت‌ساله ایران و عراق؛ «کربلای ۴». قرار بود منطقه «ابوالخصب» تصرف شود و بصره را از ناحیه جنوب تهدید کند؛ ولی دشمن هوشیار شده بود و انگار منتظر بود. در همان ساعات پایانی سوم دی یعنی ساعات پایانی ۱۳۶۵، آنها که منتظر نیروهای ایرانی بودند، آسمان ارونه را با موتورهایشان مثل روز روشن کردند. رزمندگان ایرانی در همان وضعیت به عملیات ادامه دادند. غواصان به آب زدند؛ قصدشان عبور از ارونه بود تا خطوط دشمن را بشکنند؛ اما

دشمن عراقی آن چنان از کربلای ۴ خبر داشت که نام عملیات «پانک» به «تک» ایران را هم انتخاب کرده بود؛ «حصاد الکبیر» یا همان «دروی بزرگ». این عملیات همچنان یکی از پرحرف‌ودعیدترین عملیات‌های جنگ است. هنوز هم پس از گذشت ۳۰ سال از آن، هستند افرادی که ترجیح دهند درباره «کربلای ۴» صحبت نکنند؛ اما بسیاری از فرماندهان و دست‌اندرکاران جنگ، چه در ایران و چه در عراق، درباره آن زیاد گفته‌اند.
باین‌حال، همچنان گفتنی‌ها درباره «کربلای ۴» زیاد است. با گذشت ۳۰ سال از دی ۱۳۶۵، این عملیات همچنان زنده است؛ اردیبهشت ۱۳۹۴، وقتی اعلام شد پیکراهی شهدای غواص مربوط به این عملیات وارد کشور شده‌اند، یاد کربلای ۴ دوباره در کشور زنده شد. غواص‌هایی که با دستان بسته، به‌دست بعضی‌ها به شهادت رسیدند و بر پیکراهیشان هنوز سیم‌هایی که با آنها دست‌هایشان بسته شده بود، خوندنهایی می‌کرد. آنها خرداد سال گذشته در میان جمعیت انبوه تهرانی‌ها، در پایتخت تشییع شدند.

به روایت هاشمی رفسنجانی

خاطرات هاشمی‌رفسنجانی که در آن‌زمان جانشین فرمانده کل قوا بوده، هم در نوع خود جالب است. او در خاطرات سوم دی ۱۳۶۵ که عملیات آغاز شده، نوشته آن روز راهی بوشهر شده و در ادامه آورده: «معلوم نبود که امشب حمله آغاز می‌شود یا خیر؟ آقای سنجقی را به منطقه فرستادیم. نزدیک ساعت ده خبر دادند که عملیات با نام کربلای چهار آغاز شده است؛ غافلگیر شدم. فوراً آقای (منصور) ستاری برای انتقال هاگ عازم شد و به قراقراب غرب به نیروی زمینی ارتش هاگ اعزام دادیم. محسن رضایی و محسن رفیق‌دوست، تلفنی خبر از موفقیت اولیه دادند».
هرچه زمان می‌گذشت، اوضاع وخیم‌تر می‌شد. هاشمی نوشته که سحرگاه چهارم دی ماه برای نماز صبح بیدار شده ولی در وضع میدان جنگ بی‌اطلاع است: «امکان برقراری تماس تلفنی از طرف ما نبود. یک تلفن مبهم آقای رفیق‌دوست ـ که گفت قبل از رسیدن آقای سنجقی که به سوی ما حرکت کرده، مطلبی را اعلان نکنیم ـ نگرانی ایجاد کرد و ابهام را بیشتر کرد... . تلفنی اطلاع دادند که آقای سنجقی می‌آید و اخبار حمله را می‌آورد و گفتند به اهداف اولیه نرسیده‌اند. از تهران مرتباً از طرف بیت امام و مسئولان، خبر می‌خواستند و تأخیر را مکرر به رسیدن بیک می‌کردیم. البته آن طرف سنجقی رسید و معلوم شد به جز در دو سه محور، موفقیت نداشته‌ایم و قرار شد اسم عملیات را کربلای چهار و هدف را جواب به شرارت‌های اخیر عراق اعلام کنیم. کم‌کم روشن شد که از منطقه شلمچه و جزایر بوارین و ماهی عقب نشسته‌اند و از جنوب جزیره مینو نیز که عبور کرده بودند و سر بل قابل توجهی، آن طرف ارونه به دست آورده بودند، عقب نشسته‌اند. جزیره ام‌الرصاص را در تصرف دارند. ولی گفتند در بیانیه نباید که معلوم می‌شود تثبیت نشدند».
با توجه به آمادگی‌ها و روحیه‌های خوب و امیدهای زیاد، تا این لحظه باید عملیات را موفق خواند و به فکر عملیات دیگر باشیم... . حدود شصت گردان وارد عمل کرده‌اند و فقط در حال حاضر جزیره ام‌الرصاص و سرپلی در جزیره ام‌اللپایی را در اختیار دارند و قرار است امشب از همان جا به طرف ساحل دشمن بروند. آقای رشید موافق نبود. بحث کردیم و به این نتیجه رسیدیم که اگر نروند، ممکن است فردا دشمن بر سر ام‌الرصاص بچنگد و در حالت انفعالی درگیر باشیم. نتیجه این شد که نظر فرماندهی سپاه که ادامه عملیات از همین امشب است، بهتر است. گفتند فرماندهان لشکرها هم موافقت... هاشمی در خاطرات پنجم دی هم نوشته: «اول وقت معلوم شد که دیشب در ادامه عملیات، کاری نشده و ام‌الرصاص را هم خالی کرده و با اینکه دیشب گفتند می‌خواهند به پیش بروند، به محل اولیه برگشته‌اند. معلوم می‌شد پش هماهنگی درستی ندارند. به آیت‌الله خامنه‌ای اطلاع دادم که در نمازجمععه امروز، قبل از دریافت مطالب درست، چیزی مطرح نکنند؛ برایشان غیرمنتظره بود... . دکتر هادی و دکتر روحانی آمدند. از مدیریت عملیات انتقاد داشتند. معمولاً در شرایط شکست، دردل‌ها اوج می‌گیرد. آمار مجروحان را دادند؛ حدود سه، چهار هزار نفر. قاعدتا یک‌پنجم این تعداد هم شهید داریم. خبر دادند که دشمن در منطقه در سطح وسیعی بمب شیمیایی به کار برده است». «هاشمی» در خاطرات دهم دی ماه ۱۳۶۵، آماری از شهدا و مجروحان را از قول «علی سمشانی» ارائه می‌دهد و می‌نویسد: «آقای سمشانی اطلاعات لازم را درباره نتایج عملیات شکست‌خورده

مرور عملیات کربلای ۴ از نگاه فرماندهان ایرانی و عراقی

روایت «عدم‌الفتح»

محمدحسن نجفی



کربلای چهار داد؛ خیلی دتر از آنچه تابه‌حال گفته بودند. نزدیک به هزار شهید و سه‌هزار ۹۰۰ مفقودالاثرا داشتیم که اکثر آنها را باید شهید حساب کرد و حدود ۱۱هزار مجروح که حدود نصف آنها سربایی معالجه شده یا می‌شوند». البته آمارهای دیگری هم از شهدا و مجروحان این عملیات وجود دارد که بیش از آمار مطرح‌شده در خاطرات هاشمی است.

به روایت سردار

کتاب‌های خاطرات فرماندهان وقت هم می‌تواند روایات جالب و دسته‌اولی درباره کربلای ۴ باشد؛ سردار جانباز «میرزامحمد سلگی»، فرمانده گردان ۱۵۲ حضرت ابوالفضل(ع) لشکر ۳۲ انصارالحسین، یکی از این افراد است. او خاطراتش از کربلای ۴ در قالب کتابی به نام «آب هرگز نمی‌مرد» منتشر کرده که نشانه‌هایی از چرایی و چگونگی لورفتن عملیات را در آن می‌توان دید. خبرگزاری «کتاب ایران» قسمتی‌هایی از این کتاب را درباره عملیات کربلای ۴ منتشر کرده: «یک اشکال اساسی ما را تهدید می‌کرد و آن عدم رعایت اصول امنیتی و اطلاع دشمن از حضور قریب تا یکصد هزار نیروی ایرانی در عقبه این منطقه بود که تا زمان عملیات در اردوگاه‌ها و پادگان‌های مختلف جنوب مشغول آموزش بودند. مزید بر مباحث مشترک و کلی همه لشکرها، دو ویژگی شرایط لشکر ما را از بقیه متمایز می‌کرد. نخست اینکه ما برای اولین‌بار با نیروی خزششکن غواص در موج اول قرار می‌رفتیم و حال آنکه در عملیات قبلی (والفجر ۸)، ما در ادامه موج دوم و با گردان‌های پیاده وارد کارزار در فاو شدیم... اما ادامه داده که «دوم اینکه محدوده عملیاتی ما در میانه و وسط پنج لشکر خزششکن بود و غواصان ما باید از محل تلاقی رودخانه کارون و اروندرود به آب می‌زدند و در سکوت کامل از کنج جزیره عراقی ام‌الرصاص در داخل ارونه عبور می‌کردند و با رعایت اصل غافلگیری در شب، خط دشمن را در سمت چپ جزیره ام‌الرصاص به طول سه کیلومتر به تصرف خود درمی‌آوردند. وجود جزیره ام‌الرصاص در داخل ارونه و مقابل کارون برگ برنده دشمن محسوب می‌شد و قطعا دشمن را هوشیارتر می‌کرد و کار را برای عبور غواصان سخت‌تر».

او در کتابش از بمباران یکی از اردوگاه‌های آموزشی غواصان می‌نویسد؛ در این نوشته‌ها می‌توان حس زد دشمن حتی از محل آموزش غواصان نیز خبر داشته: «در پادگان شهید مدنی زرقول بودیم که خبر رسید، هواپیماهای عراقی، اردوگاه گردان غواصی جعفر طیار در سد گئوندر را بمباران کرده‌اند و تعداد زیادی از غواصان هم به شهادت رسیده‌اند. خبر بمباران این گردان در سد گئوندر، موجی از نگرانی در سطح فرماندهان انداخت و تردیدها برای اطلاع دشمن از عملیات قریب‌الوقوع بیشتر شد».

او در ادامه کتابش نوشته است: «کمی بعد، تا رده مسئول و جانشین گروهان‌ها را به منطقه عملیاتی بردیم و از ساختمان بلند و چندطبقه‌ای در کنج رودخانه کارون و مقابل جزیره ام‌الرصاص حد عملیاتی گردان حضرت ابوالفضل مشخص شد. شاخص ما در خشکی، پشت شصت پمپ یعنی منطقه الحاق گردان ما با گردان‌های مجاور امام‌زاده‌ای به نام امام‌زاده عبدالله بود. امام‌زاده دو کیلومتر عقبتر از خط اول دشمن قرار داشت...».
هراک‌که از دیدگاه به منطقه نگاه می‌کردیم، تحرکات جدید دشمن بیش از قبل هویدا بود. آنها تلخ‌های پشت خطنشان را می‌انداختند و بین عقبه و خطنشان تا لب آب جاده می‌زدند و به دلیل همواربودن زمین برجستگی‌هایی از خاک مثل یک تپه کوتاه می‌ساختند که در صورت لزوم تانک روی آن بایستند و از آن بالا اروندرود را بزند. در خط مقدم نیز وجود کانال سراسری بتونی با سنگ‌های متعدد تیربار و حتی پادفند ضدهوایی نشان می‌داد که احتمالاً دشمن از عملیات خبردار شده است».

به روایت راوی

«محمد درودیان» از راویان هشت سال جنگ

تحمیلی، در سال ۱۳۹۳ در یادداشتی نوشته که هنگام عملیات در کنار «محسن رضایی»، فرمانده وقت سپاه پاسداران، بوده؛ و در این یادداشت نوشته: «سردار رضایی فرمانده پیشین کل سپاه در واکنش اولیه به نتایج پیشروی نیروها، بسیار آرام گفت: «عملیات از رده

یکشنبه ۵۰ دی ۱۳۹۵

روزنه

محسنی ازه‌ای خبر داد:

راستی آزمایی لیست‌های حقوق‌های نامتعارف

● **ایسنا:** سخنگوی قوه قضائیه درباره موضوع فیش‌های نجومی، گفت: در این زمینه بیش از ۲۰ نفر دعوت یا احضار شدند که ممکن است برخی از احضاریه‌ها رسمی نباشد.
از اعضای صندوق توسعه ملی در بین احضارشدگان بودند و موضوع در حال بررسی است.
حجت‌الاسلام‌والمسلمین محسنی‌ازه‌ای، سخنگوی قوه قضائیه در حاشیه دیدار با رئیس کمیسیون تحقیق و بازرسی جمهوری ارمنستان، در جمع خبرنگاران در پاسخ به سؤال ایسنا مبنی بر عدم ابلاغ حکم پرونده بابک زنجانی به وکیلش و اینکه وکیل متهم ردیف سوم پرونده فساد نفتی بیان کرده که پرونده باید به شعبه هم‌عرض ارسال می‌شده، ولی اکنون به شعبه دادگاه بدوی ارسال شده است، گفت: به طور طبیعی وقتی پرونده از دیوان عالی برمی‌گردد چنانچه نیاز به ضامن یا کسر آمارای باشد، به شعبه بدوی برمی‌گردد که ممکن است فاصله زمانی داشته باشد. من اطلاعی ندارم، اگر به شعبه هم‌عرض برگردد همه مطلع می‌شوند. او درباره عدم ابلاغ حکم پرونده بابک زنجانی به وکیلش نیز گفت: من از این موضوع اطلاعی ندارم.
سخنگوی قوه قضائیه درباره موضوع فیش‌های نجومی، اظهار کرد: در این زمینه بیش از ۲۰ نفر دعوت یا احضار شده‌اند که ممکن است برخی از احضاریه‌ها رسمی نباشد.
از اعضای صندوق توسعه ملی در بین احضارشدگان بودند و موضوع در حال بررسی است.
او خاطرنشان کرد: سازمان بازرسی یکسری لیست‌هایی را داده و سایر دستگاه‌ها هم لیست‌هایی را ارائه دادند که در حال راستی‌آزمایی این لیست‌ها هستیم؛ زیرا برخی از آنها خوداظهاری افراد بوده و ما در حال تطابق با قانون و با واقعیت هستیم.

ارائه گزارش معاون اول وسخنگوی دولت از لایحه برنامه ششم توسعه

● **ایلنا:** در جلسه دیروز مجمع تشخیص مصلحت نظام که به ریاست آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی تشکیل شد، نمایندگان دولت، گزارشی در ارتباط با سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی، برنامه ششم، نظام اداری و اصل ۴۴ قانون اساسی و مصوبات کمیسیون تلفیق مجلس شورای اسلامی، ارائه کردند. در این جلسه که علاوه بر اکثریت اعضا، معاون‌اول رئیس‌جمهور، سخنگوی دولت و رئیس سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، معاون پارلمانی رئیس‌جمهور، رؤسای کمیسیون‌های برنامه و بودجه، محاسبات و تلفیق مجلس شورای اسلامی، دادستان کل، رئیس دیوان عدالت اداری و رئیس سازمان بازرسی کل کشور نیز حضور داشتند، ابتدا جهانگیری و نوبخت، گزارشی مسبوت از رویکرد و دیدگاه‌های هیئت دولت در تنظیم و تدوین لایحه برنامه پنج‌ساله ششم توسعه، براساس انطباق آن با سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی، سیاست‌های کلی برنامه، نظام اداری و اصل ۴۴ قانون اساسی ارائه کردند. حاجی‌بابایی، رئیس کمیسیون تلفیق مجلس شورای اسلامی نیز گزارشی از جلسات اعضای این کمیسیون و جلسات مشترک با نمایندگان مربوطه از دولت و صاحب‌نظران و کارشناسان برای بررسی و تصویب لایحه پیشنهادی دولت، ارائه کرد.

ادامه از صفحه ۵

تبعیض جنسیتی، فساد آفرین است

جایگاه کشور ایران در شاخص تبعیض جنسیتی مرتبط با مشارکت در نیروی کار، طبق آخرین گزارش مجمع جهانی اقتصاد فقط از دو کشور اردن و سوریه بهتر بوده و دارای رتبه ۱۴۴ از ۱۴۴ کشور است.

تبعیض در قوانین جهان

قوانینی که تبعیض جنسیتی را تعمیق می‌بخشد، موضوع دیگری بود که به بررسی مؤلف کتاب «زنان و رشد اقتصادی» رسیده بود و یادآور شد: «در ۲۹ کشور جهان که عمدتاً افریقایی و آسیایی هستند، حق سرپرستی خانوار بر عهده زنان نیست. در ۲۵ کشور جهان نیز حق تعیین محل زندگی بر عهده زنان نیست. ۱۹ کشور جهان از جمله ایران هم حق اقدام جهت گرفتن برای زنان را محترم نمی‌شمارند. در ۱۶ کشور جهان نیز زنانی که با مرزداد خارجی ازدواج می‌کنند، نمی‌توانند تابعیت کشور خود را به فرزندان‌شان منتقل کنند».

راهکارهای پیشنهادی

سیده کاوه در انتهای صحبت‌های خود، به بیان پیشنهادهایی برای بهبود وضعیت زنان در کشور می‌پردازد و می‌گوید: «در زمینه اقتصادی، از نمونه کارهایی که می‌توان در راستای کاهش تبعیض جنسیتی انجام داد، می‌توان به تصحیح قوانین مزایای اجباری برای زنان و تقسیم مسئولیت‌ها بین دو جنس، تصحیح قوانین کار و بیمه، تصحیح قوانین دستمزدها و برقراری سیستم کنترلی بر پرداخت یکسان به دو جنس، اشاره کرد. در زمینه فرهنگی نیز تغییر وظایف سنتی در خانواده‌ها، توانمندسازی زنان، تغییر نگرش به زن به عنوان تنها مسئول پرورش فرزندان و انجام امور خانه را باید در نظر داشت. این توصیه‌هایی است که می‌تواند به ما برای مقابله بنیادین با تبعیض یاری رساند».

مستقر بود، احساس کرده بودند که دشمن تا حدی از این عملیات با خبر است».
سردار «احمد سوداگر» هم دراین‌باره گفته بود: «حین کربلای ۵، کالکی را از یکی از سنگرهای دشمن در جزیره بوارین پیدا کردم و نشان فرمانده سپاه دادم و گفتم این کالک نقشه عملیات خودمان در کربلای ۴ است که به زبان عربی نوشته شده است...در آن کالک نام همه لشکرها و یکان‌های عمل‌کننده سپاه در کربلای ۴ نوشته شده بود».

به روایت وفاق‌السامری

لورفتن و اطلاع دستگاه اطلاعاتی عراق از کربلای ۴ آنچنان بود که حتی ساعت و روز عملیات را هم می‌دانستند؛ سرهنگ «وفاق‌السامری»، مسئول وقت اطلاعات ارتش عراق در کتاب «یورانی دروازه شرقی» نوشته که «نیمه دوم سال ۱۹۸۶ (تابستان تا زمستان ۱۳۶۵) تلاش‌های اطلاعاتی‌اش را بسیار شدید و فراگیر و متمرکز» کرده؛ دلیل آن هم معلوم است: شکست عراق در عملیات والفجر ۸ که منجر به فتح فاو در زمستان ۱۳۶۴ شده بود.

نوشته‌های او نشان از اعتماد به نفس بالای عراقی‌ها در شب عملیات دارد. «السامری» آنچنان به خودشان و اطلاعاتشان اعتماد داشت که در ساعت و زمانی که حدس می‌ی‌زده حمله نیروهای ایرانی آغاز شود، برای اصلاح موی سر به آرایشگاه می‌رود. او شب آغاز کربلای ۴ را این‌گونه توصیف می‌کند: «ما روز آغاز حمله احتمالی را شب‌امگاه ۲۴ یا ۲۵ دسامبر ۱۹۸۶ (سوم یا چهارم دی ۱۳۶۵) پیش‌بینی کردیم. با غروب خورشید، از مرکز اصلی فرماندهی در «قصرالسلام» با مدیر شبکه اطلاعات منطقه شرقی تماس فوری و مستقیم برقرار کردم. از او خواستم نیروهای گشتی- شناسایی را در منطقه مورد تهدید، به داخل ایران گسیل دارد و خود شخصاً کار دریافت اطلاعات مربوط به هرگونه تحرک نیروهای ایرانی را از طریق بی‌سیم دنبال نماید و فوراً مرا از هر تحوّلی مطلع سازد. ساعت هشت شب، تیم‌های شناسایی خط مقدم ما تحرکات غیرطبیعی ایرانی‌ها را مشاهده کردند. با منشی رئیس‌جمهور «حامد یوسف حمادی» تماس گرفتم و به او اطلاع دادم که حمله ایرانی‌ها بسیار نزدیک شده است. هنوز چند دقیقه نگذشته بود که تلفن به صدا درآمد. تلفن را برداشتم. کسی می‌گفت: «جناب سرهنگ وفاق؟» گفتم: «بله» گفت: «چند لحظه گوشی...» و به دنبال آن صدای «صدام» به گوشم رسید. او بعد از سلام، وضعیت را جویا شد. گفتم: «تا چند دقیقه دیگر حمله در منطقه میانی آغاز می‌شود و به دنبال آن حمله منطقه جنوبی آغاز خواهد شد... بیش از نیم ساعت در شرایط بسیار سخت انتظار آغاز حمله باقی ماندم. برای اینکه خود را مشغول کنم و از اضطرابم بکاهم، با دفتر شعبه اطلاعاتی‌ام در منطقه کاظمین بغداد تماس گرفتم و از آنها خواستم تا آرایشگاه را آماده نمایند. زیرا احساس می‌کردم که اندازه موهای سرم از حد طبیعی بلندتر شده است. مرکز فرماندهی را در آن شرایط بغرنج رها کردم. یکی از افسران با درجه سرهنگی، در حالی که کاملاً شگفت‌زده شده بود، نزد من آمد و گفت: «قربان! آیا ما در پیش‌بینی زمان حمله دچار اشتباه شده‌ایم؟ چرا الان آرایشگر را می‌خواهید؟» به او گفتم: «نه ما اشتباه نکرده‌ایم، ولی من نمی‌توانم تأخیر را تحمّل کنم و به آرایشگاه آمدم» تا وقت را سپری کنم. آرایشگر در نیمه‌های کار اصلاح من بود که زنگ تلفن به صدا درآمد، به من اطلاع دادند که حمله ایرانی‌ها آغاز شده است و باید خیلی زود خود را به مرکز فرماندهی برسانم... حمله در دو منطقه آغاز شده بود و در پیش‌بینی زمان و محور حمله و میزان نیروهای مهاجم موفقیت بزرگی نصیب ما شده بود. این حمله به شدّت سرکوب گردید...».

به روایت سیهبد بعثی

از سوی دیگر سیهبد «رعد مجید رشیدحمدانی» در کتاب «جنگ ایران و عراق از دیدگاه فرماندهان صدام»، درباره کربلای ۴ صحبت‌هایی می‌کند: «به دلیل حجم بالایی که برای تلفات دشمن ادعا شده بود، صدام نبرد مقابله با ایرانیان را نبرد روز بزرگ(معركة اليوم العظيم) نامید و با این احتمال که حمله ایرانیان شش ماه عقب افتاده، به نیروها راحت باش و مرخصی داد و آنها را برای سازماندهی مجدد و گذراندن آموزش‌های بیشتر به مناطق پشت جبهه بردند. این برای همه فرماندهان و سربازان عراقی فرصتی برای استراحت بود. همچنین صدام در یک حرکت نمایشی و برای نشان دادن قدرت خود به زیارت خانه خدا رفت. با وجود اینکه نیروها و فرماندهان عراقی در حقیقت ماجرا خبر داشتند و می‌دانستند که تعداد کشته‌شدگان و اسرای ایرانی آن مقدار اعلام شده نیست و نیروهای ایرانی مجدد در حال تدارک حمله به سوی بصره هستند و همچنین در عملیات فریب نیروهای ایرانی توانستند از راهکار پنج ضلعی وارد شوند اما از ترس صدام بسیاری از اطلاعات را به او نمی‌دادند».

منطقه، همانند عملیات فاو شود».
به روایت فرمانده
سردار «حسین علایی»، فرمانده نیروی دریایی سپاه، در کتاب «روند جنگ ایران و عراق» عملیات‌های کربلای ۴ و ۵ را نخستین حضور نیروی زمینی سپاه پس از تشکیل نیروی زمینی مستقل عنوان کرده است. او از ضرورت‌های «کربلای ۴» هم نوشته: «با توجه به شرایط کشور در سال ۱۳۶۵ و نبود هیچ‌گونه طرح سیاسی برای پایان جنگ، ایران چاره‌ای جز اجرای یک عملیات بزرگ و مهم در جبهه‌های جنگ زمینی نداشت... در زمان برنامه‌ریزی برای کربلای ۴ تصور این بود که عملیات گسترده و موثر می‌تواند سرنوشت‌ساز باشد و دولت عراق را به پذیرش شرایط ایران برای پایان جنگ وادارد. طبیعتاً پذیرش شرایط ایران از سوی عراق، منجر به سقوط سیاسی رژیم بعثی می‌شد».
سردار «علایی» هم مانند برخی فرماندهان و مقامات دیگر نتیجه این عملیات را برای ایران «شکست» می‌داند. اما بیشترین دلیلی که برای شکست در کربلای ۴ مطرح می‌شود، «لورفتن» آن است. علایی می‌نویسد: «با آغاز عملیات مشخص شد که ارتش عراق در آمادگی کامل به سر می‌برد و عبور سریع از ارونه امکان ندارد...البته از دو هفته پیش از آغاز کربلای ۴ نیروهای قراقراب خاتم الانبیا (مرکز عملیات سپاه پاسداران) که در محلی به نام فاطمیه

ادامه از صفحه ۱۹